



هیچ کس بدون فرهنگ نیست/ فرهنگ سنتی همه فرهنگ نیست

مسئله مهم آن است که ابتدا فرهنگ تعریف شود. فرهنگ پدیده ای بسیار پیچیده است و نمی توان گفت برخی که کنار ودخانه یا جنگل زندگی می کنند، فاقد فرهنگ هستند.

دکتر ضیاء موحد در نشست علمی "فلسفه و اجتماع" گفت: مسئله مهم آن است که ابتدا فرهنگ تعریف شود. فرهنگ پدیده ای بسیار پیچیده است و نمی توان گفت برخی که کنار ودخانه یا جنگل زندگی می کنند، فاقد فرهنگ هستند. به گزارش خبرنگار مهر، به مناسبت روز جهانی فلسفه نشست «فلسفه و اجتماع» عصر امروز 10 آذرماه در محل مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

دکتر ضیاء موحد، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در نشست علمی "فلسفه و اجتماع" گفت: مسئله مهم آن است که ابتدا فرهنگ تعریف شود. فرهنگ پدیده ای بسیار پیچیده است و نمی توان گفت برخی که کنار رودخانه یا جنگل زندگی می کنند، فاقد فرهنگ هستند اما یکی از تعاریف فلسفه که ریشه در قرن نوزدهم دارد تعریف ماتیو آرنولد است که او فرهنگ را جستجوی کمال مطلق به یاری فراگرفتن بهترین اندیشه ها و گفته ها در باب مطالبی که بیشترین ارتباط را با ما دارد، می داند.

وی با بیان اینکه این آرمان اومانیزم رنسانس است، اظهار کرد: تعریف دیگری که از فرهنگ شده و جالب به نظر می رسد آن است که آنچه را فراگرفته ای و محفوظات خود را فراموش کرده و ته مانده ذهن، و آنچه در ذهن باقی می ماند، فرهنگ خوانده می شود.

موحد در ادامه به بیان تعاریف مختلف فرهنگ از دیدگاه برخی از اندیشمندان غربی پرداخت و بیان کرد: در سال 1955 چارلز پرسی اسنو خطابه ای با عنوان "دو گونه فرهنگ" در مجموعه سخنرانی های ریچموند ایراد کرد. اگر چه این سخنرانی ها با مخالفت هایی مواجه شد، تنها در 1962 که لی وس تصمیم به درافتادن با مفروضات سخنرانی گرفت، سخنرانی به بحث گذاشته شد.

این استاد فلسفه و منطق اضافه کرد: این مجادله با شدت تمام تا سالهایی از دهه 1960 ادامه یافت. بسیاری از نکته های تند لی وس حمله های شخصی به اسنو به عنوان رمان نویس و روشنفکر بود. در بحثی دانشگاهی این حمله ها هم غیر مجاز و ه غیر منصفانه بود.

این استاد فلسفه با تأکید بر اینکه در اندیشه لی وس نکته مهم، ارزش نسبی علوم و ادبیات بود، بیان کرد: اسنو در سخنرانی های خود استدلال کدره بود که زندگی عقلانی جهان غرب در دو گروه سرگرم صف آرایی کردن است. دانشمندان علوم با گروه سنتی تماس خو را قطع کرده اند و در نتیجه تخیل آنان کمتر از آن است که باید باشد. اینان خود را فقیر کرده اند اما روشنفکران اهل ادب نیز فقیر شده اند و چه بسا بیشتر، زیرا غره به آن شده اند اما اینان دوست دارند که تظاهر کنند که فرهنگ سنتی همه فرهنگ است.